



رولد دال

ترجمه‌ی محبوبه نجف‌خانی

# راز موتورسیکلت من

 ofoqbooks.com

 ofoqkidsandteens

 ofoqkidsandteens

## فهرست

- ۷ درباره‌ی نویسنده
- ۹ درباره‌ی تصویرگر
- ۱۳ ژانویه
- ۲۳ فوریه
- ۳۱ مارس
- ۳۹ آوریل
- ۴۳ مه
- ۵۷ ژوئن
- ۶۳ ژوئیه
- ۷۱ اوت
- ۷۹ سپتامبر
- ۸۷ اکتبر
- ۹۵ نوامبر
- ۱۰۱ دسامبر
- ۱۰۹ بلوط‌بازی

## ژانویه<sup>۱</sup>

وقتی کوچک بودم، قایق حلبی کوچکی داشتم (در آن زمان قایق پلاستیکی نبود). آن قایق کوکی بود و وقتی به حمام می‌رفتم آن را توی وان می‌گذاشتم و با آن بازی می‌کردم. روزی بدنه‌ی قایق کوچکم سوراخ شد و قایق پر از آب و غرق شد. پس از آن، تا چند هفته بعد، هر وقت به حمام می‌رفتم با نگرانی توی وان دراز می‌کشیدم و فکر می‌کردم که نکند پوست بدن من هم مثل بدنه‌ی قایق سوراخ شود و بدنم پر از آب شود و غرق شوم. اما هرگز چنین اتفاقی نیفتاد و من از پوست ضدآب و نفودناپذیری که بدنم را پوشانده بود، حساسی حیرت کردم. چه با قایقی کوچک بازی کنید، چه نکنید، در ماه سخت و

---

۱. نخستین ماه هر سال میلادی که از یازدهم دی ماه آغاز می‌شود - م.

دلگیر ژانویه، حمام داغ برای همه‌ی ما بهترین جاست. مدت‌ها از شور و شوق کریسمس<sup>۱</sup> می‌گذرد و به‌زودی مدرسه‌ها دوباره باز می‌شوند و جز روزهای سرد آینده، واقعاً چیزی نیست که چشم به راهش باشیم. اگر دست من بود، ماه ژانویه را به کلی از تقویم برمی‌داشتم و به جای آن یک ماه ژوئیه<sup>۲</sup> دیگر می‌گذاشتم.

همه‌ی ما در طول سال، دوازده ماه را پشت‌سر می‌گذاریم و یک‌بار سال دیگری شروع می‌شود. باورنکردنی است که چنین تغییر عظیمی، تنها در کسری از ثانیه رخ می‌دهد. در آخرین لحظات سی و یکم دسامبر، عقربه‌های ساعت به نیمه‌شب نزدیک می‌شوند، اما هم‌چنان در سال کهنه‌ایم، بعد، یک‌میلیونیم ثانیه پس از نیمه‌شب، یک‌دفعه به سال نو پا می‌گذاریم. عادت کردن به این عبور ناگهانی از یک سال به سال دیگر، همیشه برایم مشکل بوده و در تمام مدت ژانویه‌ی جدید، مدام به جای تاریخ سال نو، تاریخ سال قبل را روی نامه‌ها، چک‌ها و یادداشت‌هایم می‌نویسم. این اتفاق در روز تولدتان هم پیش می‌آید. مثلاً امروز نه ساله‌اید و روز بعد ده ساله می‌شوید. خیلی

لذت دارد که آدم یک سال بزرگ‌تر بشود، اما ناگهانی بودن آن حیرت‌آور است.

حالا که فکر می‌کنم، یادم می‌آید اولین بار که در سن هجده سالگی کاری در لندن گرفتم، در ماه ژانویه بود. حقوقم هفته‌ای پنج پوند<sup>۱</sup> بود و من بایستی هر روز از خانه‌ام در کنت<sup>۲</sup> سوار قطار می‌شدم و در ایستگاهی به نام کنن استریت<sup>۳</sup> در شهر لندن پیاده می‌شدم. همین‌که از قطار پایین می‌پریدم، باعجله در خیابان‌های شلوغ و پر از برفابه می‌دویدم تا خودم را به سرسرای بزرگ کمپانی نفتی شل برسانم و قبل از ساعت نه صبح، کارت ورود بزنم. من یکی از اعضای گروه کوچک کارمندان کارآموز شرقی بودم و یکی از چیزهایی که از ما می‌خواستند، وقت‌شناسی بود. اگر دیر می‌کردیم، تأخیرمان به مدیران گزارش می‌شد. برای ناهار، همیشه به رستوران می‌رفتم و پیراشکی گوشت و نوشابه می‌خوردم. بعد از ناهار، سر راهم به اداره، همیشه خودم را به یک بسته شکلات شیری دو پَنسی<sup>۴</sup> مهمان می‌کردم.

۱. واحد پول انگلستان - م.

2. Kent

3. Canon Street

۴. از اجزای پوند (واحد پول انگلستان) - م.

۱. روز میلاد حضرت مسیح، برابر با ۲۵ دسامبر و چهارم دی ماه - م.

۲. هفتمین ماه میلادی که از یازدهم تیرماه آغاز می‌شود - م.